

فرهنگ نازنین

فرهنگ واژگان هم‌ریشه
ایرانی، اروپایی، آسیایی، آفریقایی، آمریکایی

مؤلف و پژوهشگر: حمیدرضا شمس

بایاری: حبیب شگری

۱۳۹۷

سرشناسه	: کهنگی، حمیدرضا، ۱۳۵۱ -
عنوان و نام پدیدآور	: فرهنگ نازنین: فرهنگ واژگان هم‌ریشه ایرانی، اروپایی، آسیایی، آفریقایی، آمریکایی / مولف و پژوهشگر حمیدرضا کهنگی؛ با همکاری حبیب شکری؛ ویراستار پروین حیدرقلی.
مشخصات نشر	: تهران: ایرانا، ۱۳۹۷ -
مشخصات ظاهری	: ج: مصور، جدول، نقشه .
شابک	: دوره: ۵-۴۸-۸۹۶۰-۶۰۰-۹۷۸؛ ج: ۱-۸-۴۷-۸۹۶۰-۶۰۰-۹۷۸؛ ج: ۲-۲-۴۹-۸۹۶۰-۶۰۰-۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
یادداشت	: ص. ع به انگلیسی: Hamidreza, Kahangi, Habib, Shokri. Nazanin dictionary of cognate words in Iranian European, Asian, African and American languages.
یادداشت	: کتابنامه.
موضوع	: زبان -- ریشه‌شناسی
موضوع	: Language and languages -- Etymology
موضوع	: زبان‌های هند و اروپایی -- ریشه‌شناسی -- واژه‌نامه‌ها
موضوع	: Indo-European languages -- Etymology -- Dictionaries
موضوع	: زبان‌های هند و اروپایی -- ریشه‌شناسی -- مطالعات تطبیقی
موضوع	: Indo-European languages -- Etymology -- Comparative studies
شناسه افزوده	: شکری، حبیب، ۱۳۴۰
رده‌بندی کنگره	: ۱۳۹۷P۳۲۱ ۴۰۰۴ /
رده‌بندی دیویی	: ۴۱۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۴۴۱۰۲۲۰

عنوان: فرهنگ نازنین: فرهنگ واژگان هم‌ریشه ایرانی، اروپایی، آسیایی، آفریقایی، آمریکایی / مولف و پژوهشگر حمیدرضا کهنگی؛ با

همکاری حبیب شکری؛ ویراستار پروین حیدرقلی (لد۱)

مولف: حمیدرضا کهنگی

نشر: ایرانا

نوبت و سال چاپ: اول ۱۳۹۷

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت دوره ۲ جلدی: ۳۴۰/۰۰۰ تومان

شابک: ۸-۴۷-۸۹۶۰-۶۰۰-۹۷۸

شابک دوره: ۵-۴۸-۸۹۶۰-۶۰۰-۹۷۸

حق چاپ برای ناشر محفوظ است

وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافَ أَلْسِنَتِكُمْ وَالْوَلَوَاتِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّلْعَالَمِينَ

"و یکی از آیات (قدرت) او خلقت آسمانها و زمین است و یکی دیگر اختلاف زبانها و رنگهای شما آدمیان که در این امور نیز ادله‌ای (از صنع و حکمت الهی) برای جهانیان آشکار است".

«آیه ۲۲ سوره مبارکه روم، قرآن کریم»

وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَّسُولٍ إِلَّا بِلِسَانٍ قَوْمِهِ

و ما هیچ پیامبری را مگر به زبان قومش نفرستادیم

«آیه ۴ سوره مبارکه ابراهیم، قرآن کریم»

مقدمه

اینجانبان پس از بررسی و پژوهش فراوان در گویش‌ها و زبان‌های ایرانی و تطبیق آن با زبان‌های هندواروپایی آریایی، متوجه گردیدیم که ارتباط بسیار نزدیکی میان این زبان‌ها با زبان‌ها و گویش‌های ایرانی وجود دارد و این ارتباط در گویش‌های محلی ایرانی که گویشوران آن ساکنان فعلی در افتاده یا صعب‌العبور یا فاقد رفت و آمد توریست و مسافر بوده و می‌باشند، بیشتر مشهود می‌باشد. همچنین در بررسی‌های بیشتر در طول تاریخ مورد حمله بیگانگان قرار گرفته است نیز این اشتراک نمود و تعیین و تجلی بیشتری پیدا می‌نماید. (مانند استان‌های گیلان، مازندران، لرستان، کردستان، کرمانشاه، کرمان، ایلام، بلوچستان به ویژه نقاط دور افتاده و صعب‌العبور آن‌ها) با توجه به مراتب فوق تصمیم گرفتم که فرهنگی از واژگان هم‌ریشه میان زبان‌ها و گویش‌های ایرانی را با زبان‌های هندواروپایی از جمله: انگلیسی، فرانسه، آلمانی، اسپانیایی، نروژی، ایتالیایی، پرتغالی، روسی، یونانی و هندی و غیره تهیه بنمایم؛ امید است که این پژوهش که قطعاً شامل همه موارد هم‌ریشه نبوده و عاری از عیب و نقص هم نمی‌باشد و در مواردی بسیار هم مستند به حدس و گمان و نیز تحقیق از گویشوران آن زبان یا لهجه می‌باشد؛ مورد پسند ارباب دانش قرار بگیرد. در این پژوهش تقریباً بر گویش‌های ایرانی مستند به منابع کتبی زبانی و گویشی ایرانی و نیز مستند به منابع شفاهی زبان‌ها و گویش‌های ایرانی در بررسی و مطالعه و تطبیق قرار گرفته است؛ قرآن کریم هم در آیه ۲۲ سوره روم به اختلاف زبان‌ها اشاره فرموده است و ظاهر آنکه از اختلاف لسان‌ها، اختلاف واژه‌ها باشد که یکی فارسی، یکی هندی، یکی فرانسه و یکی انگلیسی و یکی زبان دیگری باشد. نیز مراد از اختلاف الوان هم اختلاف نژادها از نظر رنگ پوست می‌باشد. البته ممکن است اختلاف لسان شامل اختلاف در لهجه و اختلاف آهنگ صداها نیز بشود چون می‌بینیم که در یک زبان بین این شهر و آن شهر و حتی این ده و ده همسایه‌اش؛ اختلاف در لهجه و گویش می‌باشد. همچنان که اگر دقت شود خواهیم دید که تن صدای دو نفر هم مثل هم نیست؛ در نتیجه زبان و اختلاف زبان‌ها و گویش‌های یک زبان موهبتی الهی برای شناخت و تمایز انسان از همدیگر؛ همانند اختلاف در رنگ پوست بوده و می‌باشد و بایستی خداوند را بدین دلیل سپاسگزار باشیم. همچنین قرآن کریم در آیه ۴ سوره ابراهیم نیز به زبان اشاره فرموده است. در این کتاب ابتدا تلفظ هر کلمه به گویش یا زبان ایران مربوطه اعم از کردی، لری، گیلکی، مازندرانی، آسی، فارسی پهلوی ساسانی، فارسی پهلوی پارتی یا اشکانی، پارسی باستان، پارسی اوستایی، هورامانی، تاجیکی، پشتو، سندی، فارسی دری افغانی، شکایی، تخاری افغانی و سایر گویش‌ها و زبان‌های ایرانی مربوط به الفبای فارسی نوشته شده است و سپس تلفظ همان کلمه به حروف لاتین در پراکنش نوشته شده است و بعد واژه هم‌ریشه همان واژه مربوطه (در زبان هند و اروپایی یا هند و آریایی) بعد از آن قید شده است. همچنین در موارد لزوم و بویژه برای واژگان نامأنوس و در بعد از ذکر واژه هم‌ریشه آن کلمه توضیحات

مقتضی مبنی بر اینکه این واژه متعلق به کدام گویش یا زبان ایرانی می باشد یا منقول از کدام زبان و یا اینکه آن واژه از کدام کتاب یا مأخذ نقل گردیده است، قید گردیده است. و نکته مهم اینکه اگر در مواردی درج شده است که این واژه از فرهنگ واژه های اوستا نقل گردیده است منظور آن است که خود واژه از آن کتاب نقل شده است ولیکن تشخیص هم‌ریشه بودن واژه های مربوطه نتیجه مطالعه و پژوهش های سالیان متمادی اینجانب می باشد که در جلو هر واژه توضیحات مربوطه در صورت لزوم قید و ذکر گردیده است. علی ایحال در این پژوهش تقریباً تمامی زبان ها و گویش های ایرانی از جمله پشتو، کردی، لری، بلوچی، تالشی، تخاری، تاجیکی، فارسی افغانی، سغدی، و فسی، تاتی، ورامینی، هورامانی و بویژه زبان های اوستایی، پارسی پهلوی اشکانی پارتی، پارسی پهلوی میانه ساسانی و فارسی دری مورد مطالعه و تحقیق و بررسی و مذاقه قرار گرفتند تا واژگان هم‌ریشه در این زبان ها و نیز گویش های محلی ایرانی با زبان های هندی و اروپایی مورد شناسایی و تحقیق قرار بگیرد که پیرو این پژوهش به نتایج بسیار جالبی در مورد واژگان هم‌ریشه رسیدیم بویژه اینکه بنظر می رسد که زبان پارسی به احتمال بسیار زیادی به زبان نیای هند و اروپایی آریایی یا PIE بسیار نزدیک می باشد چون زبان پارسی با زبان های هندی و اروپایی دارای اشتراک در افعال و اسامی و صفات و کلاً در ریشه های واژگان می باشد. همچنین در بخش زبان اوستایی منبع اصلی کتاب فرهنگ واژه های اوستا نوشته مرحوم احسان بهرامی نیز کتاب ریشه های هند و اروپایی نوشته دکتر متوجه آریان پور و نیز لغت نامه دهخدا آمده است. اما در بخش فارسی پهلوی منابع مهم استنادی کتاب های واژه نامه پازند، لغت نامه دهخدا، فرهنگ عمید، فرهنگ فارسی پهلوی مکنزی، فرهنگ پهلوی فارسی بهرام فره وشی و سایر منابع مربوطه بوده است. البته برای سایر زبان ها و هجه ها و بویه لهجه ها به کتاب های مربوطه به آن گویش مراجعه شده و کلماتی را که بنظر می رسد با واژگان هندی یا اروپایی هم‌ریشه می باشد را استخراج و تحلیل گردیده است یعنی بسیاری از این واژگان را بر اساس تشابه در آوا، تلفظ و معنا، هم‌ریشه قلمداد کردیم. بر اساس تشابه در تلفظ، معنا، حروف و بر اساس تشابه در آواها؛ هرچند بسیاری از کلمات با وجود هم‌ریشه بودن، مفهومان زبان های مختلف کاملاً یکسان نمی باشد. وانگهی منابع واژگان زبان ها و گویش های ایرانی عمدتاً مستند به کتب نویسندگان ایرانی (از جمله کتب مربوط به زبان های پارسی اوستایی، پارسی باستان، پارسی پهلوی اشکانی پارتی، پارسی پهلوی ساسانی) و نیز استناد به تحقیقات شخصی مؤلفین و مصاحبه با گویشوران زبان و گویش مربوطه بوده است. با توجه به مراتب و تطبیقات زبانی شاید بتوان گفت که ایرانویچ مندرج در منابع باستانی ایران از جمله اوستا، همان سرزمین نیای اقوام آریایی یا هند و اروپایی باشد. چون بنظر می رسد که زبان پارسی و هندی سانسکریت مادر همه زبان های هند اروپایی باشد. چون ارتباط زبان فارسی با همه زبان های اروپایی دیده می شود ولیکن بالعکس را نمی توان گفت. برای مثال در غرب اروپا به خدا واژه های هم‌ریشه با دی می برند و در شمال غرب اروپا واژه های هم‌ریشه با خدا را برای خدا به کار می برند و در شرق اروپا برای واژه خداوند، واژه های هم‌ریشه با بگ را به کار می برند و اینکه عمده کشورهای اروپایی فقط یکی از تقسیم بندی را برای اسم خداوند به کار می برند ولیکن زبان فارسی با هر سه گروه فوق هم‌ریشگی دارد؛ درست مانند مادری که با فرزندان اشتراک ژنتیک داشته و بر آن اشراف دارد ولیکن برعکس وجود ندارد. و نکته عجیب اینکه در نقاط بسیار دورافتاده کشورمان زبان ها و گویش هایی وجود دارند که بسیار با زبان های دورافتاده اروپا حتی ایسلندی هم‌ریشه و شبیه می باشند. آیا این شباهت ها تصادفی است؟! که قطعاً چنین نیست. یعنی این امر نشان می ده که زبان فارسی مادر زبان های اروپا بوده و یا به زبان PIE یا مادر بسیار نزدیک می باشد مثلاً به دیوار در گویش غورا افغانستان دیوال (شبیه به wall در انگلیسی و در گویش ورامینی دیفال (شبیه به fal در مجاری) و یا در باسک اسپانیا همچون مردم عزیز سمنان که به عدد سه heyra می گویند واژه hiru را به کار می برند که بی شک نمی تواند تصادفی باشد چون سمنان زبانش را بدلیل کوبرش حفظ نموده و باسک هم بدلیل کوهستانش زبانش را حفظ نموده است اما این شباهت و شباهت ها چه معنایی دارد لذا نتیجه حداقل اینکه حتی ... حداقل اینکه حتی نقاطی را که اساتید زبان شناسی برای سرزمین اولیه آریایی ها حدس می زنند به سرزمین ما بسیار نزدیک می باشد؛ در پایان آرزوی صلح، دوستی، برابری، برادری و تقوی را برای همه ملل و اقوام فارغ از نژاد، رنگ پوست و زبان و گویش آنها؛ آرزو نموده و می نمایم زیرا که به فرمایش قرآن کریم: «گرامی ترین انسان ها نزد خدا، پارساترین آنها می باشند». همچنین در پایان از اساتید ارجمند «آقایان فریدون جنیدی، سعید وزیری، دکتر کیومرث جهانگردی، سیامک صاحبی، بانو فریال اخلاقی و از محبت های بی دریغ مسئولین محترم کتابخانه های مجلس شورای اسلامی و حضرت عبدالعظیم حسنی (ع)» کمال سپاسگزاری را نموده و همچنین مراتب سپاسگزاری و قدردانی

خویش را از صمیم قلب از بنیادهای گرانقدر ادبی فردوسی و نیشابور؛ بدینوسیله اعلام می نماید. و در عین حال از تمامی عزیزانی که به طور مستقیم و غیر مستقیم حقیر را در نگارش این کتاب یاری نمودند سپاسگزاری فراوان می نماید. در عین حال بهترین سپاس های خود را به بانو پروین حیدرقلی که الحق و الاذ صاف در ویرایش و تدوین این مجموعه به شدت تلاش نمودند را اعلام می نماید؛ همچنین سپاس ویژه خویش را از دوست بسیار عزیزم جناب آقای حبیب شکری که یار اینجانب در تهیه و نگارش و تکمیل این مجموعه بودند را اعلام می نمایم.

علی ایحال در پایان امیدواریم که این پژوهش که قطعاً فاقد نقص و ایراد هم نمی باشد، مورد پسند همه ایرانی زبانان همه هموطنان عزیز و همه گویشوران زبان های هند و اروپایی قرار بگیرد.

وَمِنْ اللَّهِ التَّوْفِيقُ وَ عَلَيْهِ التَّكْلَانِ

و با تجدید ادب و ارادت

حمیدرضا کهنگی